

فصلنامه تحقیقات جدید علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۵۸۶-۵۶۹
New Period 4, No 32, 2021, P 569-586

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

خانواده و نقش آن در ابراز محبت و مهرورزی

جواد آدینه

دکتری مشاوره، خانواده و کودک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

چکیده

بدون شک ابراز مهر و محبت به شیوه های مختلف صورت می گیرد و فقط یک موضوع عاطفی و روانی نبوده و به تمام جنبه ها و زوایای زندگی یک فرد مربوط می شود. بنابراین ابراز محبت می تواند به شکل های مختلفی بروز نماید که مشخص ترین آن تاثیر روانی و عاطفی است، اما درصد بسیار زیادی از ابراز محبت می تواند به صورت جنبه های مادی باشد. باید توجه داشت که ابراز محبت باید در تمام جنبه های آن مورد توجه قرار بگیرد، چه مادی و چه معنوی. این تحقیق علاوه بر جنبه های مادی و معنوی ابراز محبت که معمولاً به صورت آگاهانه در خانواده ها بروز می کند مواردی را که به صورت غیر آشکار می تواند بر ابراز محبت در خانواده تاثیر داشته باشد مورد بررسی قرار می دهد. به عنوان مثال نقش ساختار خانواده در میزان ابراز محبت و یا تاثیر خانواده های مشکل دار در میزان ابراز محبت و بالعکس (یعنی تاثیر محبت و مهرورزی بر روی ساختار خانواده و بهبود روابط) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: خانواده، محبت، مهرورزی



بیان مساله:

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می‌گذارند، مکانیسم‌های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامد های رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری.

چهار دیدگاه تئوریک باعث فرضیه‌هایی درباره اینکه آیا ساختارهای خانوادگی از یکدیگر متفاوتند و اگر هستند چگونه، شده است. یک دیدگاه این است که بدنامی فاکتور کلیدی است که منجر به پیامدهای توسعه ای ضعیف می‌شود. خانواده‌های فرزند خوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف تری نسبت به خانواده‌های واقعی نشان می‌دهند. مادر خوانده‌ها بیان می‌کنند که بچه های آنها بیشترین مشکلات برون سازی را دارند.

دومین دیدگاه این است که اجتماعی سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده های تک والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متاهل داشتند. آنها در روش های سازگار از سایر خانواده ها متفاوت نبودند و بچه ها در خانواده های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده ها گزارش نداده اند.

سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که خانواده‌های تک والدی، والد ناتی و فرزند خوانده در مقایسه با خانواده‌هایی که دو والد متاهل که با فرزندان تنی خود زندگی می‌کنند، ناقص هستند. یافته‌های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می‌کند.

دیدگاه چهارم اهمیت فرایندهای خانواده در همه ساختارهای خانواده را بیان می‌کند و بیان می‌کند که ساختار خانواده در پیش بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیر مهم است. مهر و محبت یکی از برترین و بارزترین گوهرهای وجودی انسان بوده و مهرورزی اساس شکل‌گیری و انسجام جوامع انسانی را تشکیل می‌دهد. در سایه ی مهر و محبت انسان‌ها روابط سالم با یک دیگر برقرار کرده و امکان پیشرفت جامعه ی خود را فراهم می‌آورند. بدون شک وجود مهر و محبت در یک جامعه اطمینان و اعتماد افراد به یک دیگر را افزایش داده و با کاهش تنشها و مشکلات ناشی از آن، تمام توان انسان صرف نیکوکاری و پرداختن به هموعان خواهد شد. وجود مهر و محبت و مهرورزی در یک خانواده از مهمترین ویژگی‌های یک خانواده ی موفق و سالم می‌باشد. برقراری روابط محبت آمیز بین والدین و همچنین بین والدین و فرزندان و بین فرزندان با یکدیگر می‌تواند اطمینانی برای پیشرفت کودکان باشد. چرا که کودکان در سایه ی مهر و محبت می‌توانند جدای از استرس ها و تنشها و نگرانی ها به فعالیت



پرداخته و استعدادهای خود را شکوفه کنند. با توجه به اهم مهرورزی و نقش خانواده در ابراز مهر و محبت، این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته است.

اهداف

بدون شک خانواده، مهمترین و بنیادی‌ترین نقش را در شکل‌گیری افکار، عقاید، نگرش‌ها، رفتار، شخصیت و نحوه‌ی زندگی و عملکرد هر فرد دارد. اولین و مهمترین آموزش‌هایی که به هر یک از افراد بشر در طول تاریخ داده شده است در درون خانواده شکل گرفته. پدر و مادر به عنوان اولین آموزگاران بشریت، منش‌ها و اخلاق را به کودک آموخته‌اند و شخصیت او را تا حد زیادی شکل داده‌اند. افرادی که در کودکی از مهر و محبت خانواده برخوردار بوده‌اند، تحت حمایت خانواده توانسته‌اند به یک جهان‌بینی دقیق و صحیح دست یابند و مراحل پیشرفت را طی کرده، باعث ترقی جامعه‌ی خویش شوند. مهر و محبت خانواده و تاثیر آن بر پیشرفت فردی و اجتماعی و همچنین تاثیر خانواده در گسترش مهرورزی و تمایل افراد برای ابراز محبت، موضوعی است که در این پژوهش مورد نظر بوده است. بدون شک ابراز مهر و محبت به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد و فقط یک موضوع عاطفی و روانی نبوده و به تمام جنبه‌ها و زوایای زندگی یک فرد مربوط می‌شود. بنابراین ابراز محبت می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز نماید که مشخص‌ترین آن تاثیر روانی و عاطفی است، اما درصد بسیار زیادی از ابراز محبت می‌تواند به صورت جنبه‌های مادی باشد. باید توجه داشت که ابراز محبت باید در تمام جنبه‌های آن مورد توجه قرار بگیرد، چه مادی و چه معنوی. این تحقیق علاوه بر جنبه‌های مادی و معنوی ابراز محبت که معمولاً به صورت آگاهانه در خانواده‌ها بروز می‌کند مواردی را که به صورت غیر آشکار می‌تواند بر ابراز محبت در خانواده تاثیر داشته باشد مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان مثال نقش ساختار خانواده در میزان ابراز محبت و یا تاثیر خانواده‌های مشکل‌دار در میزان ابراز محبت و بالعکس (یعنی تاثیر محبت و مهرورزی بر روی ساختار خانواده و بهبود روابط) مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه‌ی تحقیق

ارتباط بین ساختار خانواده و پیامدهای اخلاقی و رفتاری و همچنین نحوی تاثیر این ساختارها بر نوع زندگی آینده‌ی افراد جوان زیاد مورد سوال قرار نگرفته است (McLanahan & Sandefur, 1994; Wu, Cherlin, & Bumpass, 1997). برای بررسی میزان تاثیر عوامل مختلف روحی روانی و یا مادی خانواده بر روی فرزندان میتوان از مقایسه‌ی ساختارهای مختلف خانواده‌گی و تاثیر این ساختارها استفاده نمود. بررسی‌ها نشان داده که خانواده‌های تک‌والدی یعنی خانواده‌هایی که یکی از والدین (پدر یا مادر) با آنها زندگی نمی‌کنند می‌تواند ارتباط زیادی با رفتارهای مشکل‌دار جوانان داشته باشد (Dornbusch et al., 1985; Steinberg, 1987). (البته باید توجه داشت که در زندگی بسیار



پیچیده‌ی انسان عوامل و شرایط بسیار متنوعی دخالت دارند که می‌توانند این نتایج را دگرگون کنند اما در یک جامعه‌ی آماری می‌توان تا حدود زیادی احتمال تاثیر هر موضوع را بررسی کرد. همچنین این نوع ساختار تک‌والدی خانوادگی ارتباطی تنگاتنگ با مشکلاتی مانند استفاده‌ی جوانان از مواد مخدر، الکل و تنباکو (Covey & Tam 1990; Stern, Northman, & Van Slyck, 1984)، خود باوری پایین (Parish, 1991)، ترک مدرسه (Astone & McLanahan, 1991)، سن پایین در هنگام ترک خانه (Goldscheider & Goldscheider, 1993) و فعالیت جنسی زود هنگام (Tornton & Camburn, 1987; Wu, 1996) داشته است. به این علت که والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می‌گذارند، مکانیسم‌های تئوریک که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره‌ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری.

روش تحقیق

با توجه به گسترده بودن اطلاعات و تحقیقات انجام شده در جنبه‌های مختلف خانواده و اهمیتی که این موضوع در دنیای امروزی دارد، می‌توان از مقالات علمی جدید برای بهبود روابط خانواده و ارتقاء سطح کیفیت روابط خانواده‌گی استفاده کرد. وجود اطلاعات و مقالات بی‌شمار در زمینه‌ی خانواده باعث می‌شود، تفکیک یک موضوع خواص و بررسی دقیق آن احتیاج به جمع‌آوری تعداد بسیار زیادی از این گونه مقالات علمی داشته باشد. از این رو در این تحقیق از تعداد ۲۸ منبع علمی جهت تکمیل اطلاعات استفاده شده است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و از مجلات علمی مختلف استفاده شده است. این مقالات بیشتر از کتابخانه‌های دانشگاه تهران و تربیت مدرس و همچنین از سازمان ملی جوانان تهیه شده و بعد از مطالعه دقیق آنها موضوعاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مهرورزی ارتباط داشته است انتخاب شده. موضوعات دسته‌بندی شده و بعد از تکمیل آنها و بیان دیدگاه‌ها نتیجه‌گیری در مورد موضوع بیان شده است.

ارتباط بین ساختار خانواده بر ابراز محبت و پیامدهای رفتاری جوانان و نوجوانان

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می‌گذارند، مکانیسم‌های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره‌ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری. در ادامه به بررسی هر یک از این مکانیسم‌ها پرداخته شده



است. باید توجه داشت که ساختارهای مختلف اجتماعی و فرهنگی هر جامعه می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی بر نوع اثر ساختار خانواده بر افراد داشته باشد.

وضعیت اقتصادی:

یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی اثر ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری و اجتماعی جوانان، وضعیت اقتصادی خانواده می‌باشد زیرا ساختار خانواده و وضعیت اقتصادی همبسته هستند و درآمدهای پایین پیامدهای منفی برای بچه‌ها دارد (Duncan & Brooks-Gunn, 1997). اگرچه دور بودن پدر از خانواده، انتظار می‌رود که پرداخت‌های منظمی برای حمایت آنها را موجب شود ولی تقریباً دو سوم مادران تنها هیچ کمکی برای فرزندان دریافت نمی‌کنند (Sorensen, 1997). خانواده‌هایی که سرپرست آنها زن است بیش از پنج بار فقیرتر از خانواده‌های مزدوج می‌باشند (Baugher & lamison-White, 1996) و درآمد متوسط آنها حدود یک سوم درآمد این زوجین می‌باشد. بچه‌هایی که فقر دائمی را تجربه نموده اند با نقص‌های نموی مواجه هستند (Korenman, Miller, & Sjaastad, 1995). یک دلیل این می‌تواند باشد که خانواده های کم درآمد قادر به تامین غذا، مسکن و سایر کالاهای لازم که برای نمو سالم اجتماعی و شناختی بچه‌ها می‌شود، نیستند (Hill et al., 2001). همچنین درآمد خانواده نوع محله ای را که خانواده‌ها می‌توانند زندگی کنند تحت تاثیر قرار می‌دهد و بچه‌ها در جوامع پر درآمد، تاثیر مثبت دوستان را دریافت می‌کنند که در تحریک رفتار اجتماعی آنها بسیار موثر است (McLanahan & Sandefur, 1994). بعلاوه فقر و فشار اقتصادی می‌تواند منجر به والدی غیر موثر شود که پیامد های معکوس برای نمو و تنظیم بچه ها و ابراز محبت به آنها دارد (Dodge, Petit, & Bates, 1994).

اجتماعی سازی:

خانه برای کودک زمینه ای ایجاد می‌کند که در آنجا آموختن و اجتماعی سازی صورت گیرد و جدای از سایر متغیرها، کیفیت و محیط خانه و بویژه میزان مهرورزی در خانواده نتایج مهمی برای بچه ها دارد. یک محیط خانه ی مناسب مرتبط با فرصتهایی برای یادگیری و آموختن بوده و با گرمی و حمایت احساسی و مهرورزی باعث رشد سالم و نمو بچه‌ها خواهد شد (Bradley & Rock, 1998). وقتی که دو والد در خانه باشند، مسئولیت کنترل بچه‌ها را تقسیم نموده و تشویق ها و روش‌های مورد نیاز را ایجاد می‌کنند. زمانی که والدین جدا زندگی می‌کنند والد ساکن اغلب تهیه کننده ی اولیه ی منابع اقتصادی می‌شود و بنابراین وادار به اعمال محدودیت زمانی برای کنترل و اجتماعی سازی بچه‌ها می‌شود. والد غیر ساکن کمتر به فعالیت‌های بچه ها نزدیک بوده و بنابراین کنش منظم کمتری در فعالیت‌های روزانه دارد و می‌توان



گفت که صرف زمان کمتر برای توجه ابراز محبت به فرزندان می تواند میزان اجتماعی سازی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

استرس

تئوری استرس بیان می کند که تغییرات در سازمان خانواده و شرایط باعث ایجاد استرس در زندگی بچه ها می شود. به این دلیل که تغییرات ممکن است منجر به ایجاد دگرگونی هایی در پویایی خانواده، سازماندهی و نقش هایی شود که باعث تغییرات رفتاری برای بچه ها و افراد بالغ می شود (Hill et al., 2001). حوادث معین خانواده به علت برخورد و مشاجره ی مشاهده شده بین والدین، تغییرات در ترکیب خانه و یا تغییرات در موقعیت مسکونی به طور مستقیم استرس را افزایش می دهد. بچه ها ممکن است در پاسخ به مشکلات خانه، از محیط خانواده زده شده و اجتماعی سازی، مهر و محبت و تربیت کمتری از سوی والدین دریافت نمایند و یا اینکه تحت تاثیرات منفی دوستان قرار گیرند. بعضی از محققان بیان کرده اند که فشار تغییر خانواده فراینده می باشد زیرا هر تغییر نیازمند سازش مجدد می باشد و بنابراین تعداد گذرهای خانواده، پیامدهای منفی بیشتری بر بچه ها دارد (Amato, 1993).

رفاه روانشناختی مادری:

سلامت روانی مادر مکانیسم دیگری است که ممکن است مسئول اثرات ساختار خانواده بر رفتار بچه ها و نمرات تست شناختی بچه ها باشد. مادران تنها نرخ های بالاتری از افسردگی و سطوح پایین تری از عملکرد روانشناختی را نسبت به سایر مادران نشان می دهند (McLanahan & Adams, 1987). این امر ممکن است به علت فشار ناشی از تجزیه ی خانواده و یا فشار هر روزه ی سازش و برخورد با مشکلات خانواده و منابع مالی یا اجتماعی محدود شده و یا کمبود محبت باشد. سلامت روانی ضعیف مادران به طور معکوس رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد (Downey & Coyne, 1990). این ممکن است به علت رفاه روانشناختی کم باشد و یا به علت دید منفی مادران افسرده درباره ی فرزندان که ممکن است درک او را از مشکلات رفتاری افزایش دهد (Friedlander, Weiss, & Traylor, 1986).

مقایسه ی میزان مهرورزی در بین خانواده های دارای فرزند خوانده، دو والدی تنی، مادر تنها، پدر خوانده و مادر خوانده

در این بخش میزان مهرورزی و ابراز محبت و کیفیت روابط خانواده و رفاه در بین ساختار متفاوت خانوادگی با تاکید بر خانواده های دارای فرزند خوانده مورد بررسی قرار می گیرد. محققان این تحقیقات را به چندین روش بررسی نموده اند. غالباً این بررسی ها با مقایسه ی محدوده ی وسیعی از پیامدها برای فرزندان و والدین آنها در خانواده های دو والدی در مقابل خانواده های تک والدی و ناتنی بوده است.



ساختار خانوادگی دارای فرزند خوانده یک فرم خانوادگی می‌باشد که به طور فزاینده‌ای در دنیا در حال معمول شدن می‌باشد. تعدادی از مطالعات نشان می‌دهد که فرزند خواندگی با افزایش احتمال مشکلات رفتاری، نواقص و معایب روانی و سایر پیامدهای منفی مرتبط می‌باشد (Haugaard, 1998) اما بسیاری از مطالعات دیگر هیچ‌گونه تفاوت مهمی بین کمبودهای بچه‌های واقعی و فرزند خوانده پیدا نکرده‌اند (Borders, Black, & Pasley, 1998). اکثر تحقیقات از خانواده‌های دو والدی به جای سایر انواع معمول خانواده به عنوان پایه‌ی مقایسه برای خانواده‌های دارای فرزند خوانده استفاده می‌کنند. در این قسمت تفاوت‌های ساختار خانواده در میزان مهرورزی، آسایش روانی و کیفیت روابط فرزند خوانده و والدین در یک نقطه‌ی زمانی با مقایسه‌ی آنها با اعضای چهار نوع خانواده دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چهار نوع خانواده شامل الف) خانواده‌های واقعی دو والدی، ب) خانواده‌های تک‌مادر که بعد از طلاق فرزند واقعی بزرگ می‌کنند، ج) خانواده‌ی پدر خوانده و د) خانواده‌ی مادر خوانده. برای توضیح این ساختارهای متفاوت خانواده چند دیدگاه تئوریک وجود دارد هر یک از این دیدگاه‌ها به طور متفاوتی بر روی موضوعاتی مانند بدنام‌سازی اجتماعی این خانواده‌ها، روابط زیست‌شناختی و فرایندهای خانواده بحث می‌کنند. هر دیدگاه با جزئیات در زیر بحث شده‌اند.

بد نام‌سازی به عنوان یک فاکتور کلیدی:

فرزند خوانده‌های و والدین آنها اغلب با تبعیض و بد نام‌سازی مواجه هستند. با توجه به منابع مختلف (Brodzinsky, 1987) روابط فرزند خواندگی اغلب بدنام می‌شوند. به علت انتظارات اجتماعی، والدین فرزند خوانده ممکن است از نظر نقش‌های والدی مورد سوال قرار گیرند. بعلاوه فرزند خوانده‌ها تبعیض قانونی و اجتماعی و رفتارهای تبعیض‌آمیز دیگران را گزارش می‌کنند. در مواردی مشکلات درمانی گزارش شده است چرا که فقدان اطلاعات گذشته‌ی درمانی خویشاوندان واقعی می‌تواند در درمان و یا پیشگیری از برخی بیماری‌ها موثر باشد. خانواده‌های دارای فرزند خوانده نسبت به سایر ساختارهای خانواده بد نام‌تر می‌باشند چرا که بقیه‌ی ساختارهای خانوادگی حداقل شامل یک والد واقعی می‌باشند و بنابراین در اکثر موارد دارای رفاه پایین‌تر، کیفیت روابط ضعیف‌تر و میزان مهر و محبت کمتری دریافت می‌کنند.

اجتماعی‌سازی توسط دو والد به صورت بهینه:

با توجه به تئوری‌های اجتماعی‌سازی که حضور دو والد را برای اجتماعی‌سازی بهینه‌ی بچه‌ها حیاتی می‌داند، اعضای خانواده‌های تک‌والدی بیشتر در خطر می‌باشند. بسیاری از محققان بیان نموده‌اند که اختلافات در میزان منابع اقتصادی بین خانه‌های تک‌والدی با خانواده‌های دو والدی ممکن است مسئول پیامدهای نامناسب برای بچه‌های خانواده‌های تک‌والدی باشد. تک‌والدی طولانی مدت اغلب با عوامل



استرس حاد مثل دسترسی کم به حمایت‌های ابزاری و احساسی رخ می‌دهد (Thompson & Ensminger, 1989).

تحقیق طلاق و والدین ناتنی: تقدم روابط تنی:

مطالعات زیادی نشان داده است که بچه‌های طلاق و ازدواج مجدد، مشکلات رفتاری و عاطفی منفی در مقایسه با بچه‌های خانواده‌های سالم نشان می‌دهند. برای مثال بچه‌های طلاق، تک والدی و خانواده‌های با ازدواج مجدد بیشتر مضمون به درونی سازی و برون سازی مشکلات، خود باوری پایین، رفتار بزهکارانه هستند. چندین دیدگاه که مسئول تنظیم منفی بچه‌ها با والدین و ازدواج مجدد است مورد بررسی قرار گرفته است (Amato, 1993). این دیدگاه‌های شامل غیاب یکی از والدین تنی، دوره‌ی سازش مشکل برای والدین سرپرست، برخورد و ناسازگاری بین والدین، سختی اقتصادی و تغییرات زندگی پر استرس. شواهدی وجود دارد که نقش‌های منفی والدین ناتنی در اشکال جدید خانواده شکل می‌گیرد و رابطه‌ی والد-فرزند در خانواده‌های بدون دو والد تنی با فاصله‌ی بیشتر یا ناسازگاری توصیف می‌شود.

تأثیر فرایندهای خانواده:

بررسی در مورد فاکتورهای فرایند خانواده بین انواع مختلف خانواده نسبتاً نادر است. اما برخی از بررسی‌ها نشان داده است که سازش فرزندان بزرگتر به دنبال طلاق والدین از سازش بچه‌ها در سایر اشکال خانواده بعد از سازش مادر می‌باشد. کیفیت رابطه‌ی مادر-فرزند و سایر شاخص‌های اجتماعی که ارزش آزمایش ساختار و فرایند را به طور همزمان نشان می‌دهد، فرق نمی‌کند. محققان پی برده اند که پیامدهای سلامت روانی به خوبی توسط گزارش‌های نوجوانان از وجود مهر و محبت و گرمی در خانواده پیش‌بینی می‌گردد (Benson et al. 1994). بعلاوه بدون در نظر گرفتن ساختار خانواده و وضعیت طلاق، بچه‌ها در خانواده‌های پر مشاجره مشکلات تطابقی بیشتری را نسبت به سایر بچه‌ها تجربه می‌کنند. رفاه نوجوانان در چهار ساختار خانواده مطالعه شده است و نشان داده شده که تفاوت در رفاه بچه‌ها به عنوان عملی از ساختار خانواده نسبتاً ناچیز بوده بویژه وقتی با تفاوت‌های عمل متغیرهای فرایند خانواده مقایسه گردید. یافته‌ها این نظر را که ساختار خانواده به طور معکوس رفاه اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، حمایت می‌کند. بر اساس این دیدگاه خانواده‌های فرزندخوانده در روش‌های سیستماتیک از سایر انواع خانواده با توجه به رفاه و کیفیت روابط اجتماعی فرقی نمی‌کند.



اهمیت ساختار خانواده در پیش‌بینی رفاه روانی، مهرورزی و کیفیت روابط اعضای خانواده:

هدف ما بررسی اهمیت ساختار خانواده در پیش‌بینی رفاه روانی، مهرورزی و کیفیت روابط اعضای خانواده در پنج شکل مختلف خانواده می‌باشد. چهار دیدگاه تئوریک باعث فرضیه‌هایی درباره اینکه آیا این خانواده‌ها از یکدیگر متفاوتند و اگر هستند چگونه شده است. یک دیدگاه این است که بدنامی فاکتور کلیدی است که منجر به پیامدهای توسعه‌ای ضعیف می‌شود. خانواده‌های فرزندخوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف‌تری نسبت به خانواده‌های واقعی نشان می‌دهند. مادر خوانده‌ها بیان می‌کنند که بچه‌های آنها بیشترین مشکلات برون‌سازی را دارند. و مادران در خانواده‌های دو والدی واقعی کمترین مشکل را در این زمینه دارند. مادر خوانده‌ها عدم توافق با فرزندان را نسبت به سایر مادرها گزارش می‌کنند. دومین دیدگاه این است که اجتماعی‌سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده‌های تک‌والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متاهل داشتند. آنها در روش‌های سازگار از سایر خانواده‌ها متفاوت نبودند و بچه‌ها در خانواده‌های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده‌ها گزارش نداده‌اند. سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که خانواده‌های تک‌والدی، والد ناتنی و فرزندخوانده در مقایسه با خانواده‌هایی که دو والد متاهل که با فرزندان تنی خود زندگی می‌کنند، ناقص هستند.

یافته‌های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می‌کند. بعلاوه پدرها در خانواده‌های دو والدی گزارش نموده‌اند که زمان بیشتری با بچه‌های خود می‌گذرانند و پیوستگی خانوادگی بیشتری نسبت به پدران در سایر خانواده‌ها دارند. دیدگاه چهارم اهمیت فرایندهای خانواده در همه ساختارهای خانواده را بیان می‌کند و بیان می‌کند که ساختار خانواده در پیش‌بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیرمهم است. در واقع پدرها از ساختارهای متفاوت خانواده در گزارش‌های خود در مورد رفاه خود، رفاه بچه‌ها، پایه‌ی تحصیلی بچه‌ها، روابط خانوادگی، دوستی بچه‌ها، میزان محبت به بچه‌ها و برعکس، تفاوتی را بیان نمی‌کنند. همچنین تفاوت‌های ساختار خانواده در رفاه مادر و گزارش‌های مادر از رفاه بچه‌ها بعد از کنترل متغیرهای فرایند خانواده مهم نمی‌باشد. به طور خلاصه بیشترین حمایت برای دیدگاهی است که پیشنهاد می‌کند فرایندهایی که در همه‌ی انواع خانواده رخ می‌دهند مهمتر از ساختارهای خانواده در پیش‌بینی رفاه، مهر و محبت و پیامدهای روابط می‌باشند. این موضوع بویژه برای گزارش‌های پدران و فرزندان صحیح می‌باشد. الگوی یافته‌ها بر اساس گزارشات مادران بسیار پیچیده بود ولی بعد از کنترل برای عدم توافق بین همسران و بین مادران و بچه‌ها تفاوت‌های ساختار خانواده در رفاه مهم نبود. علاوه بر تهیه‌ی اطلاعات درباره‌ی زندگی بچه‌ها، مطالعات انجام شده اطلاعات مهمی با بیان رفاه والدین و روابط آنها ایجاد می‌نماید. وارد نمودن رفاه والدین تصویر کامل‌تری از چگونگی انواع



مختلف خانواده می‌دهد. بعلاوه مطالعه‌ی اولیه‌ی خانواده‌های فرزند خوانده بر پایه‌ی جمعیت‌های کلینیکی و گروه‌های تیپیک کنترل و یا کنترل‌های ضعیف، اندازه‌های کوچک نمونه، و تعداد محدود معیارهای پیامد با قابلیت اعتماد قابل سوال و اعتبار، مطالعات نتایج روش شناختی این کار اولیه را نشان می‌دهد. محدودیت‌هایی نیز مثل عدم وجود اطلاعات در مورد شرایط پیش‌بینی کننده‌ی فرزند خواندگی، بخاطر اینکه بچه‌های با نیازهای ویژه ممکن است مشکلات نموی و رفتاری به خانواده‌های خود بیاورند و در نتیجه این بچه‌ها ممکن است پیامدهای بدنی به دنبال فرزند خواندگی داشته باشند، بنابراین یک جهت کلیدی برای تحقیقات آینده بررسی ارتباط‌های بین فرایند‌های خانواده، کیفیت روابط، رفاه درون و میان ساختارهای خانواده خواهد بود. یافته‌های تحقیقاتی پیشنهاد می‌کند که فرزند خواندگی، طلاق و ازدواج مجدد لزوماً با مشکلات تنظیمی که در منابع کلینیکی گزارش شده مرتبط نمی‌باشد.

مهرورزی در سیره امام موسی کاظم (ع)

امام کاظم (ع) علیه السلام می‌فرماید:

مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است.

از آنجا که امام کاظم (ع) در یکی از سخت‌ترین دورانهای مبارزه و دشوارترین اوقات تقیه و پنهانکاری می‌زیسته است، ثبت ماجراها و داستانهای ایشان و گذر از حصار ممنوعیتهای رژیم حاکم و رسیدن به نسلهای بعدی در حد خود یک معجزه به حساب می‌آید. بر ماست که بر این داستانهای که به دست ما رسیده استدلال کنیم اگر چه می‌دانیم آنچه به دست ما رسیده قطره‌ای از معجزات و داستانهای شگفت‌انگیز آن حضرت می‌باشد.

عبادت و زهد امام

یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های رهبران مکتبی، زهد و پارسایی و عبادت در درگاه خداست. روزگاری که امام کاظم (ع) در آن می‌زیست به "قرن طلایی" معروف بود. در آن هنگام کاخهای فرمانروایان عباسی آکنده از ثروت‌های هنگفت و شاهد برپایی جشنهای پرخرج و هزینه بود. برخی از این صحنه‌ها را می‌توان در کتاب داستانهای هزار و یک شب خواند. در چنین روزگاری ابراهیم بن عبدالحمید می‌گوید: "به خانه امام کاظم (ع) رفتم. او به نماز ایستاده بود. در خانه اش چیزی نبود مگر منسوجی از برگهای درخت خرما (یا جامه‌ای بسیار خشن) و شمشیری آویخته و یک قرآن. آن حضرت از شدت فروتنی و تواضع در برابر خداوند و عبادت به درگاه او پیاده به زیارت خانه خدا می‌رفت و اگر مسافت ۴۰۰ کیلومتری میان مکه و مدینه و طبیعت صحرای عربستان را در نظر بگیریم آنگاه به نهایت تحمل و بردباری امام کاظم (ع) در برخورد با دشواریها در راه خداوند، پی خواهیم برد. علی بن جعفر گوید: با برادرم موسی بن جعفر و اهل و عیالش ۴ بار پیاده به حج رفتم. یک بار آن حضرت در مدت ۲۶ روز و بار دیگر ۲۵ روز و سومین بار ۲۴



روز و مرتبه چهارم ۲۱ روز مسافت میان مدینه و مکه را پیاده طی کرد. درباره علاقه وافر آن حضرت به نماز که نور چشم مؤمنان و ساعت دیدار دو دوست با یکدیگر است، حدیث زیر چنین می‌گوید: "روایت شده است که امام موسی بن جعفر (ع) نافله‌های شب را به جای می‌آورد و آنها را به نماز صبح متصل می‌کرد و آنگاه تا طلوع آفتاب به تعقیبات می‌پرداخت و سپس به سجده می‌افتاد و تا نزدیک زوال سر از سجده و ستایش خداوند بر نمی‌داشت. بسیار دعا می‌کرد و پیوسته می‌فرمود: "اللهم انی اسألك الراحة عند الموت، و العفو عند الحساب". یکی دیگر از دعاهاى ایشان این بود که می‌گفت: "عظم الذنب من عبدك فلیحسن العفو من عندك". از ترس خدا بسیار می‌گریست تا آنجا که محاسنش از اشک خیس می‌شد. بیشتر از دیگر مردمان صله رحم به جای می‌آورد و فقرای مدینه را مورد تفقد قرار می‌داد. درباره نحوه قرائت قرآن آن بزرگوار، حفص روایت کرده است که: کسی را بر خویش بیمناک تر از موسی بن جعفر (ع) و امیدوارتر از او به مردم ندیدم، به حزن قرآن می‌خواند و چنان تلاوت می‌کرد که گویی انسانی را مخاطب قرار داده است.

بخشش و کرم امام

با توکل بر خدا و یقین به او، پاداش نیکوکاران در پیشگاه الهی فزونی می‌گیرد. اعتماد به اینکه خداوند روزی ده و نیرومند است، به مومن غنائی می‌بخشد که از فقر و تنگدستی نمی‌هراسد. امامان ما نمونه‌هایی والا در بخشش و کرم هستند. امام موسی بن جعفر (ع) با وجود سختی شرایط و اوضاعی که در آن می‌زیسته، در جود و کرم شهره آفاق بوده است. در این باره از محمد بن عبدالله بکری روایت شده است که گفت: در طلب وامی به مدینه در آمدم. اما (به مقصود خود نرسیدم) خسته شدم و با خود گفتم: ای کاش نزد ابوالحسن (ع) بروم و حال خود را برای او بازگو کنم. از این رو به مزرعه آن حضرت رفتم و خدمت او رسیدم. آن حضرت به همراه غلامش به سوی من آمد همراه غلام ظرفی بود که در آن مقداری گوشت غذا نیم پخته بود و جز آن چیز دیگری نداشتند، امام مشغول خوردن شد و من نیز خوردم. سپس از حاجتم پرسید و من ماجرای خود را برای او بازگفتم. پس آن حضرت به درون رفت و اندکی نگذشت که به سوی من برون آمد و به غلامش گفت: برو. سپس دست خود را به طرف من دراز کرد و کیسه‌ای که در آن ۳۰۰ دینار بود، به من داد. آنگاه برخاست و رفت، من نیز بر مرکب خویش سوار شده باز گشتم.

شجاعت و استقامت

امام کاظم (ع) با همان قدرت و اراده بزرگی که پیامبران (ع) از آن برخوردار بودند، رسالت انبیا را بر دوش گرفت. او با تمام مظاهر طغیان استکبار و فساد، تنها با اتکا بر پروردگار جهانیان به رویارویی برخاست. هنگامی که فضل بن ربیع نزد آن حضرت آمد عرض کرد: ای ابو ابراهیم! خداوند تو را رحمت کند برای مجازات آماده شو، آن حضرت به وی فرمود: آیا "مالک دنیا و آخرت پشتیبان من نیست؟ امروز نمی‌توانید



به من آسیبی برسانید، ان شاءالله. " همچنین هنگامی که بر هارون الرشید، این فرمانروای سرکش و مغرور که روزی با ابرها سخن می گفت و به وسعت امپراتوری خویش می نازید و می گفت: چه شرق و چه غرب، هر کجا که بیاری خراج تو را برای من می آورند! وارد می شود. هارون از آن حضرت می پرسد: این دنیا چیست؟ امام موسی بن جعفر (ع) به او پاسخ می دهد: این سرای فاسقان است و این آیه را تلاوت فرمودند: "سأصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الأرض بغير الحق وإن يروا كل آية لا يؤمنوا بها وإن يروا سبيل الرشدا لا يتخذوه سبيلا وإن يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلا... (اعراف/۱۴۶)" به زودی آن کسان را که در روی زمین به ناحق تکبر کردند از آیات خویش بگردانم و اگر ایشان هر آیه ای را ببینند بدان ایمان نیاورند و اگر راه راست ببینند آن را راه "خود" نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه "خود" می گیرند. . . " هارون پرسید: دنیا خانه کیست؟ امام فرمود: دنیا برای شیعیان ما یک فتره (برهه) و برای دیگران فتنه است. هارون پرسید: چرا صاحب این سرا(خدا) آن را پس نمی گیرد؟ امام (ع) فرمود: خداوند این دنیا را آباد به بشر تحویل داد بنابراین آنرا جز به حالت آباد پس نمی گیرد. هارون پرسید: شیعیان تو کجایند؟ حضرت این آیه را تلاوت فرمود: "الم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين منفكين حتى تأتيهم البيئه (بيئه/۱)" آن کسانی که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان باز نایستند تا وقتی که حجت پیدا برایشان بیاید. "هارون پرسید: آیا ما کافریم؟ امام (ع) پاسخ داد: نه. . . ولی چنان هستید که خداوند فرموده است: "الذين بدلوا نعمت الله كفراً و أحلوا قومهم دار البوار" (ابراهیم /۲۸)" کسانی که نعمت خدا را به کفر مبدل کردند و قوم خود را به سرای تباهی فرود آوردند. "

هارون با شنیدن این پاسخ خشمگین شد و بر او سخت گرفت. آن حضرت از زندان، جایی که دژخیمان جنایتکار هیأت حاکمه، آن را احاطه کرده بودند، نامه ای به هارون نوشت و در آن فرمود: "روزی از بلا و سختی بر من سپری نمی شود جز آنکه روزی از راحتی و رضا از تو سپری می گردد تا آنکه تمام روزهای ما دو نفر به روزی می رسد که پایان ناپذیر است و اهل باطل در آن روز زیانمند شوند. "

مرارت و شهادت امام علیه السلام

رنجها و غمهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از فاجعه کربلا، دردناکتر و شدیدتر از سایر ائمه علیهما السلام بود. هارون الرشید همواره در کمین ایشان بود، اما نمی توانست به آن حضرت آسیبی برساند. شاید او از ترس اینکه مبدا سپاهیان در صف یاران آن حضرت در آیند، از فرستادن آنان برای دستگیری و شهید کردن امام خودداری می ورزید. از این رو بود هارون خود شخصاً به مدینه رفت تا امام کاظم علیه السلام را دستگیر کند. نیروهای مخصوص هارون به اضافه سپاهی از شعرا و علمای درباری و مشاوران، او را در این سفر همراهی می کردند و میلیونها درهم و دینار از اموالی که از مردم به چپاول برده بود را با خود حمل می کرد و به عنوان حق السکوت به اطرافیان خود در این سفر بذل و بخشش می نمود. در این میان به رؤسای قبایل و بزرگان و چهره های سرشناس مخالف توجه و رسیدگی بیشتری نشان می داد. هارون الرشید



این گونه عازم مدینه شد تا بزرگ‌ترین مخالف حکومت غاصبانه خویش را دستگیر کند. چگونگی برخورد هارون در مدینه اول: هارون چند روزی نشست. مردم به دیدنش می‌آمدند و او هم به آنها حاتم بخشی می‌کرد تا آنجا که شکم‌های برخی از مخالفان را که مخالفت آنان با حکومت جنبه شخصی و برای رسیدن به منافع خاصی بود، سیر کرد. دوم: عده‌ای را مأموریت داد تا در شهرها بگردند و بر ضد مخالفان حکومت تبلیغات به راه اندازند. او همچنین شاعران و مزدوران درباری را تشویق کرد که در ستایش او شعر بسرایند و بر حرکت محاربه با هارون فتوا دهند. سوم: هارون قدرت خود را پیش دیدگان مردم مدینه به نمایش گذارد تا کسی اندیشه مبارزه با او را در سر نپروراند.

چهارم: هنگامی که همه شرایط برای هارون آماده شد، شخصاً به اجرای بند پایانی طرح توطئه گرانه خویش پرداخت. او به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت؛ شاید حضور او مصادف با فرا رسیدن وقت نماز بوده که مردم و طبعاً امام موسی بن جعفر (ع) برای ادای نماز در مسجد حضور داشته‌اند. هارون به سوی قبر پیامبر (ص) جلو آمد و گفت: السلام علیک یا رسول الله! ای پسر عمو. هارون در واقع می‌خواست با این کار، شرعی بودن جانشینی خود را اثبات کند و آن را علتی درست برای زندانی کردن امام کاظم (ع) جلوه دهد. اما امام این فرصت را از او گرفت، صفها را شکافت و به طرف قبر پیامبر (ص) آمد و به آن قبر شریف روی کرد و در میان حیرت و خاموشی مردم بانگ برآورد: السلام علیک یا رسول الله! السلام علیک یا جداه! امام کاظم (ع) با این بیان می‌خواست بگوید: ای حاکم ستمگر اگر رسول خدا پسر عموی توست و تو می‌خواهی بنابراین پیوند نسبی، شرعی بودن حکومت خود را اثبات کنی باید بدانی که من بدو نزدیکترم و آن حضرت جد من است. بنابراین من از تو به جانشینی و خلافت آن بزرگوار شایسته‌ترم! هارون مقصود امام را دریافت و در حالی که می‌کوشید تصمیم خود را برای دستگیری امام کاظم (ع) توجیه کند، گفت: ای رسول خدا من از تو درباره کاری که قصد انجام آن را دارم پوزش می‌خواهم. من قصد دارم موسی بن جعفر را به زندان بپفکنم. چون او می‌خواهد میان امت تو اختلاف و تفرقه ایجاد کند و خون آنها را بریزد. چون روز بعد فرارسید، هارون، فضل بن ربیع را مأمور دستگیری امام کاظم (ع) کرد. فضل بر آن حضرت که در جایگاه رسول خدا (ص) به نماز ایستاده بود، درآمد و دستور داد او را دستگیر کنند و زندانی نمایند. سپس دو محمل ترتیب داد که اطراف آنها پوشیده بود. ایشان را در یکی از آنها جای داد و آن دو محمل را روی استر بسته بر هر یک عده‌ای را گماشت. یکی را به طرف بصره و دیگری را به سوی کوفه روانه کرد تا بدینوسیله مردم ندانند امام را به کجا می‌برند. امام کاظم (ع) در هودجی بود که به سمت بصره می‌رفت. هارون به فرستاده خود دستور داد که آن حضرت را به عیسی بن جعفر منصور که والی وی در بصره بود، تسلیم کند. عیسی یک سال آن حضرت را نزد خود زندانی کرد؛ سپس نامه‌ای به هارون نوشت که موسی بن جعفر را از من بگیر و به هر که می‌خواهی بسپار و گرنه من او را آزاد خواهم کرد. من بسیار کوشیدم تا دلیلی و بهانه‌ای برای دستگیری او پیدا کنم، اما نتوانستم، حتی من گوش دادم تا ببینیم که آیا او در دعاهای خود بر من یا تو نفرین می‌فرستد، اما دیدم که او فقط برای



خودش دعا می‌کند و از خداوند رحمت و مغفرت می‌طلبد! هارون پس از دریافت این نامه، کسی را برای تحویل گرفتن امام موسی الکاظم (ع) روانه بصره کرد و او را روزگاری دراز در بغداد، نزد فضل بن ربیع، زندانی کرد. هارون خواست به دست فضل، آن امام (ع) را به شهادت برساند، اما فضل از اجرای خواسته هارون خودداری ورزید، در نتیجه هارون دستور داد که آن حضرت را به فضل بن یحیی تسلیم کند و از فضل خواست تا کار امام را یکسره سازد، اما فضل هم زیربار این فرمان نرفت. از طرفی به هارون که در آن هنگام در "رقه" بود، خبر رسید که امام موسی کاظم (ع) در خانه فضل به خوشی و آسودگی روزگار می‌گذراند. از این رو هارون "مسرور" خادم را با نامه هائی روانه بغداد کرد و به وی دستور داد که یکسره به خانه فضل بن یحیی در آید و درباره وضع آن حضرت تحقیق کند و چنانچه وضع را همانگونه دید که به وی خبر داده اند، نامه ای را به عباس بن محمد بسپارد و به او امر کند تا آنرا به اجرا گذارد و نامه دیگری به سندی بن شاهک بدهد و به او بگوید که فرمان عباس بن محمد را به جای آورد. این ماجرا را از اینجا به بعد از یکی از روایات تاریخی پی می‌گیریم: این خبر به گوش یحیی بن خالد (پدر فضل) رسید. او بی درنگ سوار بر مرکب خویش شد و نزد هارون آمد و از دری جز آن در که معمولاً مردم از آن وارد قصر می‌شدند، پیش هارون رفت و بدون آنکه هارون متوجه شود از پشت سر او داخل شد و گفت: امیرالمؤمنین به سخنان من گوش فرا ده. هارون هراسان به وی گوش سپرد. یحیی گفت: فضل جوان است، اما من نقشه تو را عملی می‌کنم. چهره هارون از شنیدن این سخن از هم شکفت و به مردم روی کرد و گفت: فضل مرا در کاری نافرمانی کرد و من او را لعنت فرستادم، اینک او توبه کرده و به فرمان من در آمده است پس شما هم او را دوست بدارید. حاضران گفتند: ما هر کس را که تو دوست بداری دوست می‌داریم و هر کس را که دشمن بخوانی ما نیز او را دشمن می‌خوانیم!! و اینک فضل را دوست داریم. یحیی بن خالد از نزد هارون بیرون آمد و شخصاً با نامه ای به بغداد رفت. مردم از ورود ناگهانی یحیی شگفت زده شدند. شایعاتی درباره ورود ناگهانی یحیی گفته می‌شد، اما یحیی چنین وانمود کرد که برای سروسامان دادن به وضع شهر و رسیدگی به عملکرد کارگزاران به بغداد آمده و چند روزی نیز به این امور پرداخت. آنگاه سندی بن شاهک را خواست و دستور قتل آن حضرت را به او ابلاغ کرد. سندی فرمان او را به جای آورد. امام موسی کاظم (ع) هنگام فرا رسیدن وفات خویش از سندی بن شاهک خواست. غلام او را که در خانه عباس بن محمد بود، بر بالین وی حاضر کند. سندی گوید: از آن حضرت خواستم به من اجازه دهد که از مال خود او را کفن کنم، اما او نپذیرفت و در پاسخ من فرمود: ما خاندانی هستیم که مهریه زنانمان و مخارج نخستین سفر حجه‌مان و کفن مردگانمان همه از مال پاک خود ماست و کفن من نیز نزد من حاضر است. چون امام دعوت حق را لبیک گفت فقها و چهره های سرشناس بغداد را که هیثم بن عدی و دیگران نیز در میان آنها بودند، بر جنازه آن حضرت حاضر کردند تا گواهی دهند که هیچ اثری از شکنجه بر آن حضرت نیست و وی به مرگ طبیعی جان سپرده است. آنان نیز به دروغ به این امر گواهی دادند. آنگاه پیکر بی جان امام را بر کنار جسر (پل) بغداد گذارده، ندا دادند: این موسی بن جعفر است که (به مرگ



طبیعی) جان سپرده است. بدو بنگرید. مردم دسته دسته جلو می آمدند و در سیمای آن حضرت به دقت می نگرستند. امام در زندان روایات تاریخی نقل می کنند که امام کاظم (ع) از زندان با شیعیان و هواخواهانش ارتباط برقرار می کرد و به آنها دستوراتی می داد و مسایل سیاسی و فقهی آنان را پاسخ می گفت: به راستی امام کاظم (ع) چگونه با شیعیان خویش رابطه برقرار می کرد؟ شاید این ارتباط از راههای غیبی صورت می گرفت، اما احادیث بسیاری این نکته را روشن می کنند که بیشتر کسانی که امام (ع) نزد آنان زندانی می شد از معتقدان به امامت وی بودند. اگر چه حکومت می کوشید زندانبانانهای آن حضرت را از میان خشن ترین افراد و طرفداران خود برگزیند، اما آنها (زندانبانان) از نحوه عبادت امام کاظم (ع)، دانش سرشار و مکارم اخلاقی آن حضرت اطلاع داشتند و کرامات بسیاری را از آن حضرت مشاهده کرده بودند. و حکومت شکست می خورد پس سکی از راه های ارتباط امام با شیعیان از طریق برخی از همین زندانبانان بود. در کتاب بحار الانوار آمده است که عامری گفت: هارون الرشید کنیزی خوش سیما به زندان امام موسی کاظم (ع) فرستاد تا آن حضرت را آزار دهد. امام در این باره فرمود: به هارون بگو: "بل انتم بهدیتکم تفرحون" (نمل/۳۶) "بلکه شما به هدیه خود شادمانی کنید" مرا به این کنیز و امثال او نیازی نیست. هارون از این پاسخ خشمگین شد و به فرستاده خویش گفت: به نزد او برگرد و بگو: ما تو را نیز به دلخواه تو نگرفتیم و زندانی نکردیم و آن کنیز را پیش او بگذار و خود بازگرد. فرستاده، فرمان هارون را به انجام رساند و خود بازگشت. با بازگشت فرستاده، هارون از مجلس خویش برخاست و پیشکارش را به زندان امام موسی کاظم (ع) روانه کرد تا از حال آن زن تفحص کند. پیشکار آن زن را دید که به سجده افتاده و سر از سجده بر نمی دارد و می گوید: قدوس سبحانک سبحانک. هارون از شنیدن این خبر شگفت زده شد و گفت: به خدا موسی بن جعفر آن کنیز را جادو کرده است. او را نزد من بیاورید. کنیز را که می لرزید و دیده به آسمان دوخته بود در پیشگاه هارون حاضر کردند. هارون از او پرسید؟ این چه حالی است که داری؟ کنیز پاسخ گفت: این حال، حال موسی بن جعفر (ع) است. من نزد او ایستاده بودم و او شب و روز نماز می گذارد. چون از نماز فارغ شد زبان به تسبیح و تقدیس خداوند گشود. من از او پرسیدم؟ سرورم! آیا شما را نیازی نیست تا آن را رفع کنم؟ او پرسید: مرا چه نیاز به تو باشد؟ گفتم: مرا برای رفع حوایج شما بدین جا فرستاده اند. گفت: اینان چه هدفی دارند؟ کنیز گفت: پس نگرستم ناگهان بوستانی دیدم که اول و آخر آن در نگاه من پیدا نبود، در این بوستان جایگاههایی مفروش به پر و پرنیان بود و خدمتکاران زن و مردی که خوش سیماتر از آنها و جامه ای زیباتر از جامه آنها ندیده بودم، بر این جایگاهها نشسته بودند، آنها جامه ای از حریر سبز پوشیده بودند و تاج ها و درّ و یاقوت داشتند و در دستهایشان آبریزها و حوله ها و هر گونه طعام بود. من به سجده افتادم تا آنکه این خادم مرا بلند کرد و در آن لحظه پی بردم که کجا هستم. هارون گفت: ای خبیث شاید به هنگامی که در سجده بودی، خواب تو را در گرفته و این امور را در خواب دیده باشی؟



کنیز پاسخ داد: به خدا سوگند نه، پیش از آنکه به سجده روم این مناظر را دیدم و به همین خاطر به سجده افتادم. هارون به پیشکارش گفت: این زن خیبت را نزد خود نگه دار تا مبادا کسی این سخن را از او بشنود. زن به نماز ایستاد و چون در این باره از او پرسیدند، گفت: عبد صالح (امام موسی کاظم (ع)) را چنین دیدم آن زن تا زمان مرگ به همین حال بود. این ماجرا چند روز پیش از شهادت امام کاظم (ع) رخ داد.

موانع مهرورزی

از جمله مهمترین موانع مهرورزی در عصر کنونی غلبه حس دنیا دوستی و شهو درآدمیان است. علماء اخلاق معتقدند آدمی زمانی که دچار قساوت قلب شد بر اثر مرور زمان قلب خود را که جایگاه اصلی مهرورزی است به پایگاه خشم و نفرت تبدیل میکند. قلب انسانها بر اثر انباشته شدن نفرت و خشم به موجودی مسخ شده تبدیل می شود که هرکاری از او ممکن است سرزنند. جهان معاصر مانیز متأسفانه بر اثر رواج فرهنگ ماشینیسیم و ماشین مداری فاصله شایان توجهی با اصول و معیارهای معرفتی و محبتی قرنهای سراسر افتخار خود گرفته است. انسان معاصر می کوشد تا به جای دل خوش کردن به خود اوقات خود را با ساخته های دست خود بگذراند. ساخته هایی که هرکدام مبین سختی و خشونت است ماشین آلاتی که جز سردی هدیه دیگری به محیط مهربانی آدمیان نیاورده اند. اکنون زمان رسیدن به خود فرا رسیده است. زمان رهایی از بند هوی و هوس و به قول حافظ شیراز زمان زمان پرده بر فکندن از غبار تن حجاب چهره جان می شود غبار تن خوشا دمی که از این چهره پرده بر فکنم.

نتیجه گیری

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می گذارند، مکانیسیم های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامد های رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسیم اولیه که در منابع مختلف درباره ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی اثر ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری و اجتماعی جوانان، وضعیت اقتصادی خانواده می باشد زیرا ساختار خانواده و وضعیت اقتصادی همبسته هستند و درآمدهای پایین پیامدهای منفی برای بچه ها دارد خانه برای کودک زمینه ای ایجاد می کند که در آنجا آموختن و اجتماعی سازی صورت گیرد و جدای از سایر متغیرها، کیفیت و محیط خانه و بویژه میزان مهرورزی در خانواده نتایج مهمی برای بچه ها دارد. یک محیط خانه ی مناسب مرتبط با فرصتهایی برای یادگیری و آموختن بوده و با گرمی و حمایت احساسی و مهرورزی باعث رشد سالم و نمو بچه ها خواهد شد تئوری استرس بیان می کند که تغییرات در سازمان خانواده و شرایط باعث ایجاد استرس در زندگی بچه ها می شود. به این دلیل که تغییرات ممکن است منجر به ایجاد دگرگونی هایی در پویایی خانواده، سازماندهی و نقش هایی شود که باعث تغییرات رفتاری برای بچه ها و



افراد بالغ می‌شود سلامت روانی مادر مکانیسم دیگری است که ممکن است مسئول اثرات ساختار خانواده بر رفتار بچه‌ها و نمرات تست شناختی بچه‌ها باشد. مادران تنها نرخ‌های بالاتری از افسردگی و سطوح پایین‌تری از عملکرد روانشناختی را نسبت به سایر مادران نشان می‌دهند. سلامت روانی ضعیف مادران به طور معکوس رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد خانواده‌های فرزندخوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف‌تری نسبت به خانواده‌های واقعی نشان می‌دهند. مادر خوانده‌ها بیان می‌کنند که بچه‌های آنها بیشترین مشکلات برون‌سازی را دارند. و مادران در خانواده‌های دووالدی واقعی کمترین مشکل را در این زمینه دارند. مادر خوانده‌ها عدم توافق با فرزندان را نسبت به سایر مادرها گزارش می‌کنند. دومین دیدگاه این است که اجتماعی‌سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده‌های تک‌والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متاهل داشتند. آنها در روش‌های سازگار از سایر خانواده‌ها متفاوت نبودند و بچه‌ها در خانواده‌های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده‌ها گزارش نداده‌اند. سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که خانواده‌های تک‌والدی، والد ناتنی و فرزندخوانده در مقایسه با خانواده‌هایی که دو والد متاهل که با فرزندان تنی خود زندگی می‌کنند، ناقص هستند. یافته‌های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می‌کند. بعلاوه پدرها در خانواده‌های دووالدی گزارش نموده‌اند که زمان بیشتری با بچه‌های خود می‌گذرانند و پیوستگی خانوادگی بیشتری نسبت به پدران در سایر خانواده‌ها دارند. دیدگاه چهارم اهمیت فرایند‌های خانواده در همه ساختار‌های خانواده را بیان می‌کند و بیان می‌کند که ساختار خانواده در پیش‌بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیر مهم است. در واقع پدرها از ساختارهای متفاوت خانواده در گزارش‌های خود در مورد رفاه خود، رفاه بچه‌ها، پایه‌ی تحصیلی بچه‌ها، روابط خانوادگی، دوستی بچه‌ها، میزان محبت به بچه‌ها و برعکس، تفاوتی را بیان نمی‌کنند. همچنین تفاوت‌های ساختار خانواده در رفاه مادر و گزارش‌های مادر از رفاه بچه‌ها بعد از کنترل متغیرهای فرایند خانواده مهم نمی‌باشد.

به‌طور خلاصه بیشترین حمایت برای دیدگاهی است که پیشنهاد می‌کند فرایند‌هایی که در همه‌ی انواع خانواده رخ می‌دهند مهمتر از ساختار‌های خانواده در پیش‌بینی رفاه، مهر و محبت و پیامد‌های روابط می‌باشند. این موضوع بویژه برای گزارش‌های پدران و فرزندان صحیح می‌باشد. الگوی یافته‌ها بر اساس گزارشات مادران بسیار پیچیده بود ولی بعد از کنترل برای عدم توافق بین همسران و بین مادران و بچه‌ها تفاوت‌های ساختار خانواده در رفاه مهم نبود. علاوه بر تهیه‌ی اطلاعات درباره‌ی زندگی بچه‌ها، مطالعات انجام شده اطلاعات مهمی با بیان رفاه والدین و روابط آنها ایجاد می‌نماید. وارد نمودن رفاه والدین تصویر کامل‌تری از چگونگی انواع مختلف خانواده می‌دهد. بعلاوه مطالعه‌ی اولیه‌ی خانواده‌های فرزندخوانده بر پایه‌ی جمعیت‌های کلینیکی و گروه‌های تیپیک کنترل و یا کنترل‌های ضعیف، اندازه‌های کوچک



نمونه، و تعداد محدود معیارهای پیامد با قابلیت اعتماد قابل سوال و اعتبار، مطالعات نتایج روش شناختی این کار اولیه را نشان می دهد. محدودیت هایی نیز مثل عدم وجود اطلاعات در مورد شرایط پیش بینی کننده ی فرزند خواندگی. بخاطر اینکه بچه های با نیاز های ویژه ممکن است مشکلات نموی و رفتاری به خانواده های خود بیاورند و در نتیجه این بچه ها ممکن است پیامد های بدنی به دنبال فرزند خواندگی داشته باشند، بنابراین یک جهت کلیدی برای تحقیقات آینده بررسی ارتباط های بین فرایند های خانواده، کیفیت روابط، رفاه درون و میان ساختارهای خانواده خواهد بود. یافته های تحقیقاتی پیشنهاد می کند که فرزند خواندگی، طلاق و ازدواج مجدد لزوماً با مشکلات تنظیمی که در منابع کلینیکی گزارش شده مرتبط نمی باشد.